



## کری خوانی‌های فوتبالی «میتسیگو سایتو» در روزنامه ایران



عکس: امیر رحیمی/ایران

### دیبلماسی | گروه سیاسی

از مخاطبانش می‌خواهد نگاه‌شان را به رابطه ایران و ژاپن تغییر دهند؛ با این حال فارغ از سیاست دیدن رابطه‌ای که سایه آن بر مناسبات اقتصادی و فرهنگی دو کشور سنگینی می‌کند، چندان آسان نیست. این خواسته «میتسیگو سایتو»، جدیدترین سفیر ژاپن در ایران است که تنها سه ماه از آغاز مسئولیتش در ایران می‌گذرد. او چندی پیش میهمان روزنامه «ایران» شد و در گفت‌وگویی صمیمانه، رابطه دو جانبه تهران و توکیو را آتچنان ریشه‌دار و تاریخی توصیف کرد که مانع از آن می‌شود حتی با وجود فشارهای امریکا در موقعیت بحرانی قرار گیرد. او در توصیف وجوه تاریخی این رابطه می‌گوید: «این روابط بیشتر از هزار سال قدمت دارد و بر اساس اسناد تاریخی، ایرانی‌ها حدود ۶۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به ژاپن آمده‌اند. این رابطه در طول تاریخ برای ایرانی‌ها و ژاپنی‌ها با نوعی احساس دوستی نزدیک همراه بوده است.» سایتو برای توضیح بیشتر ابعاد عمیق این رابطه مثالی می‌زند و می‌گوید: «در آوریل ۱۹۵۳ یک تانکر نفتکش به نام نیشو مارو متعلق به شرکت ایده میتسو به بندر آبادان رسید. شرکت ایده میتسو در زمان ممنوعیت فعالیت شرکت‌های نفتی مهم اروپایی، با دولت مصدق که سیاست ملی شدن صنعت نفت را در پیش گرفته بود، قرارداد منعقد نموده و مبادرت به واردات نفت ایران توسط تانکرهای ژاپنی نمود.» او حضور پررنگ شرکت‌های ژاپنی در ایران را تنها به صرف منافع اقتصادی نمی‌داند بلکه معتقد است بین ایران و ژاپن یک درک نزدیک وجود دارد که یکی از مهم‌ترین دلایل علاقه شرکت‌های ژاپنی به کار و ماندن در ایران است. او می‌گوید: «مدیران این شرکت‌ها به ایران رفت و آمد دارند چون ایران را دوست دارند.»

سفیر ژاپن در خلال این مصاحبه به علاقه و

پیگیری کشورش به «پاپ کالجِر» اشاره می‌کند. پاپ کالجِر یعنی فرهنگ مردم پسندی که می‌کوشد یک نوع همگونی و هماهنگی میان فرهنگ کشور مبدأ و مقصد به وجود آورد. یک نوع بی مکانی که میان مکان‌ها، زمان‌ها و سبک‌های زندگی میان دو کشور شباهت به وجود می‌آورد. حالا «سایتو» می‌گوید علاقه‌مند است که این «پاپ کالجِر» میان ایران و ژاپن گسترده شود. او در این باره به موضوعات مشترک ایران و ژاپن از جمله در زمینه‌های ورزش، کشتی و فوتبال اشاره می‌کند و می‌گوید رقابت دو کشور در این زمینه‌ها بسیار سنگین است. او این چنین کری فوتبالی هم می‌خواند و رقابت ایران و ژاپن را داغ می‌داند: «در زمینه فوتبال توضیح لازم نیست که بگویم ژاپن در این زمینه چه اندازه موفق است. اگر ایران و ژاپن در جام ملت‌ها با هم برخورد کنند، ژاپن می‌برد ما در جام جهانی تنها تیمی از آسیا بودیم که صعود کردیم.»

سایتو با نام بردن از کارهای مجید مجیدی و عباس کیارستمی، دو فیلمساز معروف ایرانی نشان می‌دهد که حوزه سینمای ایران هم در چارچوب پیگیری پاپ کالجِر برای آنها حائز اهمیت زیادی است. می‌گوید: «فیلم‌های ایرانی در ژاپن طرفداران زیادی دارد بویژه فیلم‌های کیارستمی.» او با بیان اینکه «شنیده‌ام فیلم اوشین در سال‌های گذشته خیلی در ایران طرفدار داشته است»، ارزش‌های انسانی

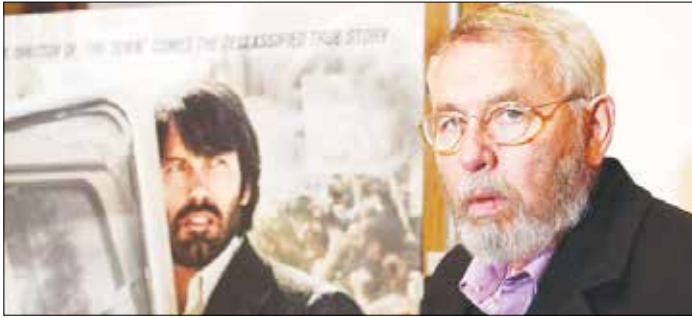
## نجات دهنده در گور خفته است!

### خره بین | مرتضی گلپور خبرنگار

نجات دهنده آمریکایی در گور خفت. «تونی مندرز» مأمور سابق سیا که دو سال پس از تسخیر سفارت امریکا، ۶ دیپلمات این کشور را از ایران خارج کرد، چندی پیش در سن ۷۸ سالگی درگذشت. این دیپلمات‌ها توانسته بودند پیش از تسخیر کامل سفارت از سوی دانشجویان، از در پشتی خارج شوند و خود را به خانه سفیر وقت کانادا در تهران برسانند. ۵۲ همکار دیگرشان از سوی دانشجویان پیرو خط امام گروگان گرفته شدند. مأموریت جاسوس سیا هم از اینجا شروع شد؛ مأموریتی که نه فقط با سیاست و رابطه ایران و امریکا گره خورده است، بلکه الهام‌بخش سینماگران هالیوود هم شد. داستان این ماجرا، ۷ سال پیش در فیلم سینمایی «آرگو» به تصویر کشیده شد. به باور بسیاری از منتقدان، این فیلم ضعف‌های سینمایی بسیاری داشت، اما توانست به اسکار بهترین فیلم، بهترین فیلمنامه اقتباسی و بهترین تدوین را دریافت کند. همچنین دریافت دو جایزه از گلدن گلوب و معرفی به عنوان بهترین فیلم جشنواره بفتا، نشان داد که خاطره تسخیر سفارت امریکا در تهران، تا چه حد برای افکار عمومی، سیاست‌پیشگان و سینماگران این کشور زنده و تازه است. آرگو، روایتی اغراق‌آمیز از ماجرای قرار ی دادن دیپلمات‌های گریخته از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی است. چه، حتی اگر نقش سفیر وقت کانادا در این ماجرا را نادیده بگیریم که پاسپورت کانادایی را به آنان داد، اجرای یک عملیات جاسوسی در ایران انقلابی و دستخوش هیجان آن زمان، چندان دشوار نبود، هر چند نمی‌توان تهور موجود در داستان را نادیده گرفت. روایتی آمریکایی از ماجرا، آنطور که آرگو نشان داد و اطلاعاتی که بعدها از نحوه تصویب و اجرای این عملیات از سوی جاسوس «مندز» منتشر شد، سرشار از قهرمان پروری، حماسه‌سازی و خودبرتربینی آمریکایی است؛ یانکی تیزهوشی که می‌تواند

آخرین آمریکایی‌های گریخته از ماجرای تسخیر سفارت را از کشور انقلابی ایران خارج کند. این دیپلمات‌ها که به مدد سفیر وقت کانادا، پاسپورت کانادایی داشتند، به عنوان اعضای یک گروه فیلمسازی، از فرودگاه مهرآباد سوار هواپیمای «سوئیس ایر» شدند و همراه با جاسوس مندرز به اروپا رسیدند. «بن افلک» بازیگر معروف هالیوودی، که کارگردان این فیلم هم بود، نقش «مندز» را بازی کرد و «جورج کلونی» دیگر ستاره هالیوود نیز یکی از تهیه‌کنندگان این فیلم است.

می‌توان اغراق‌های موجود در فیلم «آرگو» و قهرمان‌سازی آن را پاسخی به شکست و تحقیر تاریخی دانست که در آبان ماه ۵۸ برای آمریکایی‌ها رقم خورد. حتی برخی از منتقدان سینمایی و سیاستمداران ایرانی معتقدند که دروکردن جوایز جشنواره‌های مختلف از سوی یک فیلم متوسط، خود واکنشی عاطفی و سیاسی به ماجرای است که ۴۰ سال پیش روی داده است. اما اگر فیلم آرگو تلاش می‌کند از قاجاعه آبان ماه ۵۸ آمریکایی‌ها، روایتی قهرمانانه و حماسی ارائه دهد، اما واقعیت این است که آن ماجرا، شکستی سخت برای امریکا بود. چه، اگر آن شکست سخت نبود، دلیلی وجود نداشت که دونالد ترامپ اجرای شدیدترین تحریم‌های امریکا را به ۱۳ آبان ماه، سالروز تسخیر سفارت این کشور موکول کند. همچنین جالب است که اعلام بهترین فیلم اسکار سال ۲۰۱۲ (سالی که آرگو به عنوان



بهترین فیلم شناخته شد) از سوی میشل اوباما، هسبر رئیس جمهور وقت امریکا اتفاق افتاد. اما همه این ماجراها معنای دیگری هم دارد، این معنا که آینده ایران و امریکا در گذشته ساخته و تعیین شده است. به این معنی که مندرز مُرد، اما ماجراجری که او یکی از بازیگران آن بود، همچنان خط سیر سیاست و رابطه ایران و امریکا را تعیین می‌کند. در اینجا، یعنی در رابطه ایران و امریکا، «گذشته چراغ راه آینده» نیست، بلکه گذشته به مثابه یک انشعاب در ریل روابط دو کشور است. ۴۰ سال بعد از انقلاب اسلامی، برخی از بازیگران بزرگ روی در رقابت خاک کشیده‌اند. اما آن رویداد، حالا با مفسرانی تازه، با منادیانی جدید و با روایت‌های تازه‌تر، به حیات خود ادامه می‌دهد و همچنان مسیر پیش رو را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر چه دانشجویان تسخیرکننده سفارت امریکا (قهرمانان جمهوری اسلامی ایران) و چه مندرز جاسوس و دیپلمات‌های آمریکایی (قهرمان‌های امریکا) چه آنان که رفته‌اند و چه آنان که هستند، دیگر جز خاطره‌ای از آن رویداد نیستند. به تعبیر جرج زیمل، آنان فرهنگ سازانی بودند که دیگر هدایت فرهنگ را در دست ندارند و فرهنگ ساخته شده مسیر و زندگی خود را طی می‌کند و صاحبان جدیدی می‌یابد. صاحبان جدید فرهنگ ستیز جمهوری اسلامی ایران و امریکا؛ حالا دو سوی جهان ایستاده‌اند.

عکس: پایگاه اطلاع رسانی معاون اول رئیس‌جمهور



### عکس | نوشت

مردم جیرفت از معاون اول رئیس جمهوری استقبال گرمی کردند. اسحاق جهانگیری روز دوشنبه برای افتتاح چندین طرح در استان کرمان وارد جیرفت شد. با حضور جهانگیری گازرسانی به ۴۸ روستای جنوب کرمان به بهره‌برداری رسید.

## ائتلاف زنانه

### فاطمه راکعی از شورای عالی سیاستگذاری زنان اصلاح‌طلب می‌گوید

### گپ و گفت | مهراوه خوارزمی خبرنگار

چهار حزب متعلق به زنان اصلاح‌طلب در هفته‌ای که گذشت، از ائتلاف پایکدیگروتشکیل نهادی باعنوان «شورای عالی سیاستگذاری زنان اصلاح‌طلب» خبر دادند. انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران به دبیرکلی ژاله فرامرزیان، جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان که شهیندخت مولاردی دبیرکل آن است، مجمع زنان اصلاح‌طلب به دبیرکلی زهرا شجاعی و جمعیت زنان مسلمان نواندیش که فاطمه راکعی در جایگاه دبیرکلی‌اش قرار دارند، اهدافی همچون تعیین راهبردهای اصلی مشارکت سیاسی زنان، تهیه بانک اطلاعات زنان فعال و توانمند سیاسی را از جمله هدف‌های پیش‌بینی شده برای این تشکل ائتلافی تعریف کرده‌اند. این تغییر در حالی است که بدنه اجتماعی چندان ارزیابی مثبتی از نتایج این فعالیت‌های حزبی ندارند و این را در شبکه‌های اجتماعی پرو می‌دهند. با این حال به بهانه اعلام موجودیت این تشکل گفت‌وگوی کوتاهی با فاطمه راکعی انجام دادیم که در پی می‌آید.

■ شاید ساده‌ترین پرسش این باشد که چه دلایلی ائتلاف میان احزاب زنان اصلاح‌طلب را ضروری ساخت، در فعالیت ائتلافی این احزاب چه مزایایی نهفته است که به صورت جداگانه قابل پیگیری نبود؟ ما دبیران کل هر چهار حزب به کار متشکل و شبکه‌ای معتقدیم و به همین دلیل به این نتیجه رسیدیم که برای هم‌افزایی بیشتر و برای اینکه این چهار حزب با هم و با اعضای یکدیگر ارتباط شبکه‌ای بیشتری داشته باشند و به تعامل و همفکری بیشتری دست پیدا کنند شورای عالی سیاستگذاری زنان اصلاح‌طلب را تشکیل دهیم. برای اینکه در موارد حساس بتوانیم مواضع مشترک اتخاذ کنیم.

■ این تغییر آیا می‌تواند به تحولی در پیگیری مطالبات زنان منتهی شود یا آن‌طور که برخی ناظران برداشت می‌کنند نوعی شکل‌یابی برای به دست آوردن قدرالسهم بیشتر در عرصه سیاسی و فهرست‌های آتی انتخاباتی است؟

متأسفانه با وجود ۴۰ سال کار بی وقفه‌ای که زنان و مردان مدافع حقوق زنان در ایران انجام داده‌اند، هنوز به آن تصویری که در ابتدای انقلاب اسلامی از موقعیت و جایگاه زنان در کشور تجسم می‌شد، نرسیده‌ایم. تصویری که امام خمینی (ره) به تأسی از احکام دین مبین اسلام و سنت پیامبر ارائه می‌دادند و در جملات تاریخی ایشان از جایگاه زنان در جامعه ارائه می‌شد؛ اینکه می‌فرمودند از دامن زن است که مرد به معراج می‌رود و بعد زنان را با قرآن مقایسه می‌کردند و آنها را مریبان جامعه می‌دانستند و تأکید داشتند بر اینکه زنان باید در مقدرات اساسی کشور تأثیرگذار باشند. اینها مسائلی است که در قانون اساسی کشورمان هم دیده شده است و این قانون ظرفیت نائل شدن به خیلی از مواردی را که در انقلاب پیرامون رفع موانع و مشکلات حقوقی و اجتماعی زنان مطرح شد دارد؛ ولی هنوز تا تحقق کامل اهداف آن فاصله داریم و موارد تبعیض آمیزی در قانون مدنی، قانون استخدام کشوری و بسیاری از مقررات نهادهای مختلف کشور وجود دارد که باید بر طرف شود.

علی‌رغم دستاوردهایی که انقلاب اسلامی برای زنان ایران داشته است هنوز از بسیاری از مسائل متأثر از دیدگاه یک تفکر اقلیتی در کشور است که دیدگاه‌هایی همچون تفکیک جنسیتی را پیگیری می‌کنند. مسلم است که این دیدگاه‌ها هم قانونی نیست و هم مغایر با فرهنگ انقلاب ما است. اما عده‌ای همچنان بر این طبل می‌کوبند که زنان را بعد از این همه پیشرفت و تلاش خانه‌نشین کنند. به همین دلیل تلاش‌های ما برای مقابله با چنین تفکراتی یابانی ندارد. تاکنون نیز این تلاش‌ها نتایج بزرگی داشته که بازگشت پذیر نیست اما همچنان تا زمانی که برابری کامل به لحاظ انسانی و اجتماعی بین زنان و مردان جامعه آنچنان که مورد تأیید امام و بزرگان دین و اخلاق بوده است برقرار نشود، این تلاش‌ها ادامه دارد.

اما علاوه بر این کارویژه‌ها باید تأکید کنیم که تنها کار این احزاب دفاع از حقوق زنان نیست، اگر چه مهم‌ترین کارشان است. این احزاب تشکیل شده‌اند تا همان‌طور که بنیانگذار انقلاب اسلامی تأکید داشتند نهادهی برای نقش‌آفرینی سازمان‌مند زنان در مقدرات اساسی کشور باشند. پس این احزاب دو کارویژه دارند: یکی رفع تبعیض‌ها و تنگ‌نظری‌ها در حوزه زنان که ابتدایی‌ترین کارشان است و بعد شرکت جدی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای کشور در حوزه‌های مختلف.

به تناسب همین اهداف ما با هم‌افزایی صورت گرفته تلاش خواهیم کرد تا نقش پررنگ‌تری در تحولات سیاسی کشور ایفا کنیم. چنان که در سال‌های گذشته نیز ما موفق شدیم ایده سهمیه ۳۰ درصدی زنان را در ارکان احزاب و در فهرست‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان برای مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا را جا بیندازیم و اجرایی کنیم.

■ می‌دانیم که یکی از شعارهای اساسی دولت روحانی حضور بیشتر زنان در سطوح عالی مدیریت کشور بود، کارنامه دولت را تا این لحظه با توجه به حضور زنان در سمت‌هایی همچون معاونت و مشاوره رئیس‌جمهوری یا برعهده گرفتن مسئولیت سفارت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گرچه در دولت در سطح کابینه نشد که چند وزیر زن داشته باشیم و هیچ وقت هم آقای روحانی توضیح درستی به جامعه زنان ندادند که چرا می‌خواستند و نشد؛ اما با تلاش‌های خود زنان و نگاه مثبتی که در دولت آقای روحانی وجود داشت در سطوح پایین‌تر از کابینه یعنی مدیریت‌های ارشد و میانی تعدادی از خانم‌ها روی کار آمدند و قدر و فرصت مدیریتی را که به آنها محول شد را با پاکدستی و مسئولیت

پذیری که دارند پاسخ دادند. آنها با تلاش شبانه‌روزی در انجام مسئولیت محوله درخشیدند و نشان دادند زنان برای قرار گرفتن در سمت‌های بالای سیاسی، اجتماعی و مدیریتی تا چه حد قابلیت دارند. به باور ما هرگونه تلاش شبکه‌ای با هدف هم‌افزایی توان زنان و چانه‌زنی برای حضور پررنگ‌تر آنان در چنین مسئولیت‌هایی اتفاقی مبارک و مثمر ثمر است.

■ رابطه آنچه با عنوان شورای عالی سیاستگذاری زنان اصلاح‌طلب شکل گرفته است با نهادهایی مانند شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان چه خواهد بود، آیا این دورنما وجود دارد که بخواهید در مقطعی با مواردی مستقل عمل کنید؟

سعی‌مان این است که تصمیم‌گیری‌هایی که باید در سطح ملی شود ما با همفکری مواضع واحدی را اتخاذ کنیم. الان هم خوشبختانه همه افرادی که ائتلاف احزاب زنان اصلاح‌طلب را تشکیل داده‌اند عضو حقوقی شورای عالی سیاستگذاری هستند و تعدادی هم در شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب حضور فعال دارند. آنجا هم آیین‌نامه و اساسنامه مجمع عالی اصلاح‌طلبان در حال تدوین است. از سوی دیگر معنای دیگری که این ائتلاف دارد توانایی و آمادگی زنان برای کار تشکیلاتی و متشکل بر مبنای خرد جمعی است.

■ آیا احتمال دارد که برای تجمیع قدرت این احزاب و متمرکز شدن آنها بر پیگیری مطالبات زنان جامعه ائتلافی فرا جناحی شکل بگیرد یا دست‌کم سه حزب دیگری که در حوزه زنان وجود دارند و از حیث گرایش سیاسی چندان دور از احزاب اصلاح‌طلب به شمار نمی‌روند به این شورای عالی دعوت شوند؟

بیش از یک دهه است که مسئولیت کمیته زنان خانه احزاب ایران را برعهده دارم. این کمیته‌ای است که من و خانم مولاردی با همراهی جمع دیگری از زنان فعال حزبی اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا در تنها کار این احزاب دفاع از حقوق زنان نیست، اگر چه مهم‌ترین کارشان است. این احزاب تشکیل شده‌اند تا همان‌طور که بنیانگذار انقلاب اسلامی تأکید داشتند نهادهی برای نقش‌آفرینی سازمان‌مند زنان در مقدرات اساسی کشور باشند. پس این احزاب دو کارویژه دارند: یکی رفع تبعیض‌ها و تنگ‌نظری‌ها در حوزه زنان



خانه احزاب تأسیس کردیم. یکی از مهم‌ترین اهداف این کمیته فعال کردن همه احزاب کشور است تا کمیته سازمان یا به هر حال ساختار مشخصی برای زنان و متمرکز بر مطالبات آنها داشته باشند. زنان فعال در احزاب کشور اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا در کمیته زنان خانه احزاب همه اهتمام داریم که مسائل زنان در احزاب جدی گرفته شود و زنان به ارکان احزاب راه پیدا کنند. این حرکت بسیار موفق بوده و خوشبختانه تدوام دارد. همه احزاب حتی اصولگرایان معتدل سنتی جدا از مسائل سیاسی و جناحی به مسائل زنان به طور خاص فکر می‌کنند چون جمعیت زنان فعال در این احزاب اغلب مسائل مشترکی را دنبال می‌کنند. بنابراین اینگونه ائتلاف‌ها و اتخاذ مواضع مشابه و یکسان امیدواریم در حوزه زنان بزرودی فراگیر شود و جدا از مسائل جناحی به عنوان مسأله‌ای فرا جناحی دیده شود. حیف است که کشور ما با این فرهنگ بالای اجتماعی بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب هنوز با مشکلات زنان مواجه باشد و کسانی بخواهند با دیدگاه‌هایی که نه اسلامی است و نه مطابقتی با عرف و خواست مردم دارند به موانع قوانینی در نقش مدیریتی و مشارکت‌های اجتماعی زنان دامن بزنند. هدف بالاتر این است که زنان به واسطه تخصص‌هایی که دارند، مشارکت جدی‌تری در ساختن کشور داشته باشند و نقش خود را در توسعه پایدار ایفا کنند.

■ یکی از مسائلی که این روزها در حوزه زنان مطرح می‌شود، بحث حجاب است. در محدوده معقول این بحث فشرقی از زنان معترض به برخورد‌های قهری با پوشش انتخابی‌شان هستند و بعضاً از مواجهه با تبعیض به دلیل نوع پوشش کلافه می‌کنند. بحث تاجایی پیش می‌رود که یک نماینده مجلس پیشنهاد برگزاری رفراندوم می‌دهد و حتی شخص رئیس‌جمهور اعلام موضع می‌کند. موضع و دیدگاه احزاب زنان اصلاح‌طلب در این باره چیست؟

گرچه خود دبیران کل و اکثریت اعضای شورای مرکزی و... عموماً زنانه‌ی هستند که حجاب اسلامی را رعایت می‌کنند و به آن عقیده دارند. اما هیچ کدام از فعالان حزبی زن معتقد به حجاب اجباری نیستند. اگر چه قابل انکار نیست که در فرهنگ ایرانی ما قبل از اسلام در دین زرتشت و همه ادیان الهی، حجاب برای زنان به عنوان سرپوش و تن پوش مناسب وجود داشته است، اما متأسفانه همچنان با این نقیصه مواجهیم که فلسفه این پوشش برای جامعه بخوبی و درستی تبیین نشده است و همواره رویکرد اجبار بر فرهنگ‌سازی پیشی گرفته و آن نفوذ آن کاسته است. قطعاً احزاب زنان در این موارد مواضع و برنامه‌هایی دارند. ما چهار حزب هیچ کدام به افراط و تفریط در مسائل زنان معتقد نیستیم و روش‌مان یک روش متعادل و میانه است. بنابراین معتقدیم که هم باید به خواست فرهنگ عمومی جامعه پاسخ داده شود و هم در هیچ زمینه‌ای از جمله حجاب نباید به زور و اجبار متوسل شد زیرا تاکنون دیده‌ایم که عملاً نتیجه‌ای ندارد.